

با پیگیری شهرآرامحله، درخواست کسبه اطراف فلکه آب محقق شد

مرمت یک پیاده‌رو پرتردد

هم قدم

بی ملاحظه اند. این ها پول بیت المال است؛ از جیب من و شماست. باید ملاحظه کنند که این قدر سریع خراب نشود. حبیب... خجسته که از کاسبان قدیمی بازار رضاست و همیشه مسیر زیارتش از فلکه آب بوده است، ادامه می‌دهد: قدیم از در بازار نگاهمان به گنبد بود تا داخل حرم. اما الان اگر یک لحظه زمین را نگاه نکنیم، امکان دارد بیفتیم.

تعمیر پیاده‌رو ظرف یک هفته

رئیس اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ثامن درباره تعمیر سنگ فرش‌های آسیب دیده می‌گوید: سنگ فرش‌های پیاده‌رو اطراف میدان، لق شده است و برای تعمیر آن از اعتباری استفاده می‌کنیم که حوزه اداره کل تعمیرات و نگهداری برای مرمت پیاده‌روهایی که خراب می‌شوند، تخصیص می‌دهد.

محمد حسین باغدار حسینی به زمان شروع ترمیم در همین هفته اشاره می‌کند و می‌گوید: تعمیر سنگ فرش‌های لق شده و شکسته در دستور کار است و ظرف هفته جاری، مرمت آن را شروع می‌کنیم.

او به طرح بلندمدت میدان اشاره و بیان می‌کند: پروژه گذر عیدگاه که پیشروی کند، به میدان بیت المقدس می‌رسد و در طرح سال آینده سنگ فرش پیاده‌رو به طور کامل ساخته می‌شود. از زمان تهیه تا انتشار گزارش، پروژه تعمیر سنگ فرش‌ها شروع شد.

می‌آیند، می‌خورند به ما و وسایلمان می‌ریزد.

تمام حواسمان به پیاده‌روست

معصومه خداوردی که دست فرزند کوچکش را گرفته است و در گرمای طاقت فرسای تابستان سعی می‌کند تندتر راه برود، می‌گوید: مدام باید نگاهمان به جلو پیمان باشد که نرویم روی یک سنگ شکسته و زمین بخوریم، یا بچه پایش به لقی گوشه سنگ نگیرد. درست کردن مسیر زائران، از همه جای شهر مهم تر است.

پیرمردی که عصایش را با احتیاط بین سنگ‌ها می‌گذارد، می‌گوید: همیشه دور حرم را می‌کنند و می‌سازند، اما مردم

نجمه موسوی کاهانی یکی از محل‌های پرتردد شهر مشهد، میدان بیت المقدس یا همان فلکه آب است. میدانی که هم پیاده‌روهای اطرافش مملو از جمعیت است. پاخور سنگ فرش‌های این پیاده‌رو به حدی زیاد است که هنوز ترمیم نشده، دوباره تماس‌های مردم با ۱۳۷ شروع می‌شود و لوق بودن و شکستگی را در نقاط مختلف اعلام می‌کنند.

میزان استهلاک این پیاده‌رو زیاد است

محمد عظیمی، یکی از کسبه دور میدان، می‌گوید: این میدان و معابر اطرافش شب و روز ندارد. در تمام ۲۴ ساعت مردم از این‌جا رد می‌شوند. معلوم است که پیاده‌روهای خیلی زودتر از بقیه پیاده‌روهای شهر خراب می‌شود. او لیوان فلزی‌ای را که در دست دارد، رها می‌کند روی زمین و همین‌طور که خم می‌شود آن را بردارد، می‌گوید: حساب کنید چند نفر دیگر، یک وسیله کوچک از دستشان می‌افتد زمین و گوشه و کنار این موزاییک‌ها کنده می‌شود. به همین راحتی. علی منفردی، دست‌فروشی که بدلیجات از سرگردنش آویزان است، می‌گوید: موتوری‌ها و کالسکه و ویلچرها بیشتر از بقیه، پیاده‌روها را خراب می‌کنند. یک گوشه چرخشان که گیر می‌کند، این قدر این طرف و آن طرف می‌کوبند که سنگ کنده می‌شود. راهش را می‌گیرد و می‌رود و با صدای بلند ادامه می‌دهد: ویلچر و کالسکه آرام حرکت می‌کنند، ولی موتور و دوچرخه با سرعت



نوجوان محله پایین خیابان
با ورود به دنیای هنر، مسیر آینده‌اش را پیدا کرده است

تار، دل مشغولی اول نگار



امید محله

تار برای تفاوت بود؟

خیلی زیاد؛ با نواختن تار نیمه‌گمشده خودم را پیدا کردم. در همین سال اول توانستم در رشته تک‌نوازی تار مقام اول استان را به دست بیاورم و به مرحله کشوری راه یافته‌ام.

درباره این تفاوت بیشتر توضیح می‌دهی؟

سه تار عین خودم صدای ضعیفی دارد و در جمع‌های شلوغ و پر ازدحام، صدایش گم می‌شود. اما صدای تاریم و با صلابت است و جرئت پیدا کرده‌ام در جمع بنوازم.

با چه آهنگی تار را شروع کردی و بیشتر چه

قطعه‌هایی را می‌نوازی؟

اولین آهنگی که با تار نواختم، «نوابی» استاد عثمان محمدپرست بود و بعد هم ردیف‌های موسیقی را شروع کردم. قطعه افشاری استاد بیگجه‌خانی هم قطعه مورد علاقه مادرم است که ریتم خیلی قشنگی دارد.

به فکر یادگیری سازهای دیگر هم هستی؟

امسال می‌خواهم وارد رشته موسیقی موسسه آموزش عالی فردوس مشهد شوم. در دانشگاه باید از هر ساز کمی بلد باشیم و یکی را به صورت تخصصی دنبال کنیم. الان غیر از تار و سه‌تار، تنبک و پیانو را هم شروع کرده‌ام.

موسیقی را به عنوان شغل آینده‌ات انتخاب کرده‌ای

یا هنر چاشنی زندگی‌ات است؟

قطعا هنر بخش اصلی زندگی‌ام است. با اینکه درس‌هایم خیلی خوب بود و در دبیرستان نمونه دولتی قبول شدم، به خاطر علاقه‌ام به نقاشی به هنرستان رفتم و گرافیک خواندم. الان هم موسیقی را به عنوان یک شغل برای آینده‌ام می‌بینم و می‌خواهم مدرس ساز و نقاشی شوم.

است که با سه تار موسیقی را شروع کنم.

چه مدت سه‌تار نواختی و بعد از آن تار را شروع کردی؟

هفت سال تمرین کردم و چندین بار در مسابقات مدارس رتبه آوردم و یک سال هم به استان راه یافتیم. بعضی مدرسه‌ها به مسابقات هنری خیلی بهای نمی‌دهند و ما هم خیلی وقت‌ها از مسابقات باخبر نمی‌شدیم. با اینکه سه‌تار را دوست داشتم، خیلی دنبال یادگیری تار بودم تا اینکه سال قبل، استاد گفت می‌توانی آن را شروع کنی.

نجمه موسوی کاهانی از اولین‌ها که همراه مادرش به آموزشگاه موسیقی پا گذاشت، متوجه شد علاقه‌اش را در نت‌های موسیقی پیدا کرده است. نگار رحیم‌دل، نوجوان هفده ساله محله پایین خیابان، بعد از هشت سال نواختن تار و سه‌تار و کسب چندین رتبه شهری و رتبه اول استانی و راه یافتن به مرحله کشوری تک‌نوازی تار، مطمئن است که آینده شغلی و حرفه‌ای‌اش در مسیر هنر و موسیقی رقم می‌خورد.

چه چیزی باعث شد که سمت موسیقی بروی؟

کلاس پنجم بودم که مادرم پیشنهاد داد آموختن یک ساز را شروع کنم و من هم بعد از تحقیق، سه‌تار را انتخاب کردم.

قبل از پیشنهاد مادرت کسی از اطرافیان ت موسیقی کار می‌کرد؟

نه، هیچ‌کدام از اقوام و دوستان اهل موسیقی نبودند. من هم در کنار ورزش شنا، نقاشی می‌کردم. مادرو خاله‌ام تصمیم گرفتند من و پسر خاله‌ام را در آموزشگاه موسیقی ثبت نام کنند. پسر خاله‌ام پیانو را انتخاب کرد و من بعد از مشورت با استادم سه‌تار را شروع کردم.

پیشنهاد سه‌تار از طرف استاد دلیلی خاصی داشت؟

مادرم به موسیقی سنتی خیلی علاقه داشت و با تحقیقاتی که کردم، دیدم صدای تار من را خیلی جذب می‌کند، اما استادم گفت که کاسه تار برای جثه ریزنقش من بزرگ است و بهتر

